

روایت سمانه چهکندی، فوتبالیست محله ارشد
که ۱۵ سال شماره ۱۱ تیم ملی را بر تن داشت

من به فوتبال اعتیاد دارم

میترا صدرا هیچ صدایی برای آرامش بخش تر از برخورد توپ با پایش نیست. برای او همه چیز از یازده سالگی آغاز شد: روزی که دبیر ورزش مدرسه اش پیشنهاد کرد در تست فوتبالی شرکت کند که برای دانش آموزان علاقه مند برگزار می شد. همان روز، همان آزمون، مسیر زندگی سمانه چهکندی را تغییر داد. او نمره قبولی گرفت و به تیم فوتسال آموزش و پرورش ناحیه ۴ پیوست؛ نقطه ای که بهانه شد تا رؤیای کودکی اش رنگ واقعیت بگیرد.

سمانه چهکندی، متولد هشتم فروردین ۱۳۶۸ و ساکن محله ارشد است. پارکینگ های محوطه ششصد دستگاه نخستین زمین بازی اش بودند. همان جابو که عشق به فوتبال در وجودش ریشه دواند. سال هاست پیراهن شماره ۱۱ تیم ملی و تیم خاتون بم را بر تن دارد؛ در پست هافبک راست می درخشد و نامش در میان بهترین های لیگ برتر و مسابقات بین المللی دیده می شود.

از جدول های سبز محله تا زمین سبز ورزشگاه

سمانه در خانواده ای ورزش حرفه ای را دنبال کرد که هیچ کدام اهل ورزش نبودند. تنها برادرش که دو سال از سمانه بزرگ تر است، در همان پارکینگ های محوطه ششصد دستگاه گاهی با دوستانش فوتبال بازی می کرد و سمانه هم کنار جدول فضای سبزی می نشست و بازی آن ها را نگاه می کرد. سمانه می گوید: من از همان کودکی به فوتبال علاقه زیادی داشتم. هر وقت برادر می خواست با دوستانش در پارکینگ محوطه بازی کند، به هوای بازی با دخترها پایین می رفتم، ولی به جای بازی های دخترانه، خودم را در زمین فوتبال می دیدم. هر بار که بازی برادر و دوستانش تمام می شد، توپ را برمی داشتم و خودم را به دروازه روبه روی رساندم و گل می زدم. سمانه برای تمریناتش چالش های بسیاری داشته است. اومی گوید: پدرم سال های اول خیلی سخت گیری می کرد و دوست نداشتم سراغ فوتبال بروم؛ به من می گفت درسم را جدی تر دنبال کنم. من هم مجبور می شدم لباس های تمرینم را داخل کوله مدرسه بریزم و بدون هماهنگی با پدرم برای تمرین بروم. با اینکه پدر و مادرش چندان رضایت نداشتند، حالاکه سمانه مقام های قهرمانی بسیاری به دست آورده و در مسابقات بین المللی این رشته شرکت کرده است. به او افتخار می کنند. اومی گوید: در سال های اخیر پدرم خودش تابلویی درست کرده است و هر بار در مسابقه یا تورنمنتی پیروزی می شوم، مدال را روی آن می چسبانم و برایم گنجینه مدال درست کرده است. او به من افتخار می کند که راهم را با همه چالش هایش ادامه داده ام.



۱

داستان جلد

تجربه مستطیل سبز از ۱۸ سالگی

سمانه هم زمان با بازی در لیگ برتر درست زمانی که هجده سال داشته به تیم ملی فوتسال دعوت می شود. اومی گوید: مربی تیم اوکراینی بود و به من گفت تو خیلی خوب هستی و انرژی بالایی داری، ولی هنوز تجربه لازم برای حضور در تیم ملی را نداری. پروتلاش کن و سال های بعد در تیم ملی ماندگار شو. صحبت های این مربی خیلی برایم ارزشمند بود و بعد از کسب تجربیات بیشتر از سال ۸۹ تا ۹۱ عضو ثابت تیم ملی فوتسال بانوان کشور شدم.

اواز هجده سالگی و بعد از تشکیل لیگ فوتبال بانوان راهی مستطیل سبز شد. جایی که همیشه آرزو داشت روی آن بازی کند. اومی گوید فوتبال را هم زمان با فوتسال شروع کردم و در تیم ملی فوتسال توپ می زدم. ولی بعد از مدتی مسئولان گفتند بین فوتسال و فوتبال یکی را انتخاب کنیم و انتخاب من هم فوتبال بود. آن ها از من خواستند هر وقت تیم ملی فوتبال بانوان شکل گرفت، در آن تیم حاضر شوم تا حق دخترانی که فوتسال بازی می کنند، گرفته نشود.

البته که سمانه در همین حضور کوتاه در تیم ملی فوتسال ایران، توانست همراه با هم تیمی هایش مقام قهرمانی مسابقات غرب آسیا و مقام سومی را در تورنمنت روسیه به دست آورد.

زندگی ورزشی، آغاز ماجرا

سمانه فوتبال حرفه ای را از دوران راهنمایی شروع کرد. پانزده ساله بود که در مدرسه شهدای بانک صادرات، زمان بازی والیبال، به جای دست، از پا استفاده می کرد. اومی گوید: استفاده از پا زمان بازی والیبال، جذابیت زندگی ورزش را برایم بیشتر کرده بود. خانم سیگاری، دبیر ورزشم، متوجه علاقه من به فوتبال شد و به من خبر داد که در دبیرستان فاضله تست فوتسال می گیرند. خانم غلامی آنجا مسئول گرفتن تست از دخترها بود؛ همان دفعه اول آزمون را قبول شدم و توانستم به مسابقات آموزش و پرورش و تیم ناحیه ۴ راه پیدا کنم. سه سال راهنمایی و دبیرستان را همراه با تیم منتخب ناحیه ۴ آموزش و پرورش در مسابقات بین مدارس و نواحی شرکت می کردم و مقام های مختلفی در این مسابقات همراه تیم به دست می آوردم. ولی وقتی همه چیز برایم خیلی جدی تر می شود که از طریق تیم مدرسه، جذب تیم های فوتسال مشهد می شود. اومی گوید: همراه با خانم غلامی توانستیم تیم فوتسال آموزش و پرورش را راه بیندازیم و بعد از قهرمانی در لیگ دسته یک به لیگ برتر راه پیدا کردیم.

